

متن پرسش

سلام علیک و رضوانه و ریحانه. پیشاپیش از همه ی عزیزان خصوصا استاد عزیز بابت تصدیق وو
تضییع وقت شریفتان عذرخواهم و طلب عفو و حلایت دارم.

بسم الله الرحمن الرحيم: «يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُّوا مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا
يَيَاسُ مِنْ رُوحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» آنچه در این آیه برای بنده مهم می باشد ذیل آیه و آنجایی که
می فرماید از روح الله نا امید نشوید و جز کافران و آنانی که چشم بر روح توحیدی تاریخ و زمانه بسته
اند نا امید نخواهند شد. سخن از فهم زمانه ای است که با روحی توحیدی به سراغ بشر آمده است و
در برابر تکانه های سخت و طوفان خروشان نهیلیسم و بشر خود بنیاد قرار گرفته است و با اشارت به
آینده ای نظر دارد که افق تاریخ گشایش انسان است و روز موعود آشتی انسان با خود و خدایی که در
بستر تاریخ غرب گمشده بود و حالا این بشر جدید است که در پی گمشده ی خود به هر کوی و برزنی
سر می زند تا بلکه آن را بیابد و غافل از آنکه یار در کنار اوست و او در بیراهه ها به دنبال اش می
گردد.

آن که عمری در پی او می دویدم کو به کو / ناگهانش یافتم با دل نشسته روبرو
در المیزان شریف در تفسیر این آیه ی عزیز نیز سخن از طلب روحی است که منسوب به خداوند است
که همان فرج بعد از شدتی است که به اذن خداوند و مشیت او صورت می گیرد. آیا در این آیه،
بشارت «روح الله» همان نصرتی نیست که در پیش روی انسان قرار داده شده است و انسان به آن
بیش از هر روز دیگری محتاج است؟! «قَالَ وَمَنْ يَقْنُطُ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (۵۶ / حجر) و چه
کسی جز آنان که راه گم کرده اند و یا آنانی که خود را در تاریخ خود پیدا نکرده اند دچار یاس و
سرگردانی می شوند؟! سخن از یاس و پوچی، گرچه شاید دارای تفاوت هایی معنایی باشد یا تلازمی
برقرار نباشد، اما سخن در اینجاست که ریشه ی یاس بشر امروز دقیقا از درد پوچی تاریخی است که با
آن دم خور شده است. و رنجی است که در دوران مدرن زاییده شده است و انسان امروز خود را دچار
آن یافته است و فریاد و احسرتای از دست رفتگی تاریخ اش به گوش اندیشمندان رسیده و هر کس به
فراخور دردمندی و حس همراهی بشر جدید به این فریاد انسان راهی را و افقی را اندیشیده یا سعی
بر آن داشته تا در افق آینده ی انسان راهی را که عاری از رنج دیروز و امروزش باشد را در برابرش
بگشاید اما تا به امروز در این افق گشایی موفق نبوده است و انسان همچنان در یاس تاریخی فردای
پیش روی خود باغ سبزی را که گذر از رنج امروز زمانه اش باشد را نیافته است و این منشا دردهای بی
شماری است که تاریخ انسانیت را مبدل به دردهای لاینحل کرده است که یا باید بماند و این درد را

تحمل کند و بمیرد و یا باید برای رهایی از رنج طاقت فرسای مناسبات پوچی تاریخ دست به انتحار بزند و خود را راحت کند و یا خود را به انواع ابتذالات و مشهورات و اباحه‌گری موجود آلوده کند تا کمر درد تاریخی اش را درک کند. اما انسان غافل از آنی است که روحی در تاریخ حاضر است که انسان با حضور در آن روح، این درد تاریخی را در خود هضم می‌کند و از سرگردانی رنج‌های بی‌شمار امروز راحت می‌شود و شدت تعب و سختی دوران را در روح و ریحان و رضوان به آرامش بدل می‌کند! آری تمام سخن در این است که حضور در روح تاریخی چطور و چگونه؟ انسان و انتقال از ساحتی از تاریخ به ساحت دیگر آن متوقف بر حضور در آن تاریخی است که افق بشارت بخش فردای انسان را و گذر از رنج‌های بی‌شمار امروزمین را در خود به همراه دارد و این جز با نظر به غایت سعادت و کمال انسان و اتصال انسان به لایه‌های لذت بخش و فرح بخش و پایدار برای انسان میسر نخواهد بود. بشر امروز لذت زده و لذت پذیر است و این تغییر مزاج از ساحت لذات حسی و مادی جز با افق لذت‌های پایدار اصیل جاودانه‌ی انسانی اش امکان پذیر نمی‌باشد علاوه بر آنکه انسان جدید بیش از هر روز دیگری امروز به تغییر سخت و افق تاریخ نزدیک تر است چرا که احساس پوچی و بیهودگی و سرخوردگی بیش از هر زمان دیگری او را فرا گرفته است! پس کافی است تا افق سیر حضور انسان در عالم هستی را و لذت پایدار و ابدی بودن انسان را و شوق دیدار با خود بودن در عین حقیقت و با خدا بودگی را به روی او بگشاییم. آنگاه آغوش مشتاق انسان را به این حقیقت و مسیر مقدس مشاهده می‌کنیم.

کاری که امام با روح حقیقت جو و حقیقت طلب انسان امروز کرد! امام فهمید بشر، تشنه‌ی کمال حقیقی است و خسته از تاریخی است که انسان را زنجیر لذات حسی کرده است لذا روح تاریخ بشر با انقلاب اسلامی همراه شد و اینچنین در انسان‌ها اثر گذاشت و خالق اراده‌ها و رفتارهای اختیاری جدیدی در انسان شد که سابقه اش در انقلاب نبوی مشهود بود. نه آنکه انقلاب اسلامی ما بر آمده از فقر و رنج و گرسنگی باشد!! کدام انقلاب با درد و رنج گرسنگی پیروز شده است که انقلاب اسلامی بشود؟ انقلاب اسلامی انقلاب معنایی بود، انقلاب بازگشت روح الله به تاریخ، انقلاب حضور انسان جدید با نظر به افق حیات قدسی و معنویت و عبور و گذر از عصر مدرن و بشر نهیلیست زده! انقلاب اسلامی درست نقطه‌ی مقابل روح عالم مدرن ساحتی از روح را مقابل انسان گشود که انسان را انسان تر می‌کند و این جز با حضور در تاریخ روح الله که نصرت و تایید خداوند را بهمراه دارد و آینده‌ای جز این برای بشر فردایی متصور نیست را به عالم آورد. برای این سخن شواهد فراوانی از آیات قرآن وجود دارد که تمامی فتح و گشایش‌های انسان در تاریخ به تایید همان روح در تاریخ است و تایید روح بوده است. سخن در این است که باید و باز باید و دوباره و باز دوباره باید با بشر امروز از تاریخی که در آن حاضر است و روح ناکامی‌های امروزمین‌اش سخن گفت و فراخوانی گشوده‌ی فردای تاریخ روح الله را در پیش چشم او حاضر کرد تا در تاریخ دچار خود گمگشتگی و پوچی و سردی و بن بست نشود و فردایی که در انتظار اوست تا در آن تنفس کند را این روح عالم مدرن از او نرباید تا صبح طلوع روح الله را ادراک کند. باید مصادیق طلوع و ظهور نور تاریخ روح الله را در عرصه‌های مختلف پیش روی

چشم انسان پر رنگ کرد باید صحنه های حضور فرح بخش و فرخ بخش انسان فردایی را به او نشان داد (حاج قاسم ها، حجی ها، صدرزاده ها، همدانی ها و باکری ها و همت ها و.....) باید تلالو جمیل تاریخی که او را در بر می گیرد و از چنگال لذت سرد و ناپایدار علم حسی نجات می دهد را به او متذکر شد (فریاد ظلم ها و ستم هایی مردم جهان، ستم استکبار جهانی، قدرت جبهه ی مقاومت، شکست غایت و اهداف استکبار در منطقه، حضور جهانی شیعی، اربعین، و هزاران جلوه ی حضور منطقه ای و بشری انسان) سخن از طلوع همین روح الله است که جز آنانی که حاضر نیستند این روح الله را ببینند به آن کافر و از آن حضور ناامید می باشند.

این سخن مقدمه ای بود برای تفصیل سخنان بعدی و راهی برای گشودگی هایی پیش رو باشد که متذکر شویم و هم کلام و هم سخن شویم تا فردای بشر را پیش چشم او حاضر کنیم تا انسان ها در آن حاضر شوند و روح الله آنان را در برگیرد. والسلام

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: «جانا سخن از زبان ما می گویی» و حقیقتاً «وَلَا تَيَّأَسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَّأَسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» و منظور از کافر، تنها منکر خداوند بودن نیست، منظور کسی است که حقیقت را در جلوه های مختلف آن انکار می کند و در نتیجه از آن مددهای لطیف الهی یعنی «روح الله» که بنا است به سوی او آید، محروم می شود و این همان یأس تاریخی است که به خوبی بدان اشاره کردید و گرفتار شدن در انواع رنج ها و بن بست ها. تنها کافی است به وعده الهی امیدوار شویم که خداوند نتیجه کار شهدا را به جامعه و تاریخ برمی گرداند و این مهم ترین نکته ای است که باید بدان فکر کرد زیرا بعد از آن که فرمود شهدا، حیاتی غیر از حیات دنیایی و حیات برزخی دارند و بشارت می دهند به آیندگان که نگران تنگناهایی که با آغاز تاریخی دیگر به ظهور می آید؛ فرمود: «وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ» (آل عمران/ ۱۷۱) و این یعنی پاداش سلحشوران جبهه مقابله با استکبار را که نفی استکبار و احیای حیات دینی بود را، خداوند برای آن ها در تاریخی که شروع کرده اند خواهند داد. و این است آن بشارت اصیلی که می توان حکیمانه بدان نظر کرد و آینده ای را مد نظر داشت غیر از آنچه که امروز با آن دست به گریبان هستیم. موفق باشید